

مسائل پیروان ادیان، مذاهب و آیین‌های غیررسمی دوره ناصری در اسناد عرایض

(۱۳۰۱-۱۳۰۳ هـ.ق)

مریم نیل‌قاز

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سینا فروزش (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

sinaforoozesh@gmail.com

رضا شعبانی صمغ‌آبادی،

استاد گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۷ شماره ۶۵ - صفحه ۲۰۵-۱۸۷

تاریخ دریافت: ۱۳۰۱/۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۳

چکیده

با مطالعه اسناد عرایض به عنوان یکی از منابع مطالعه تاریخ اجتماعی در دوران معاصر، می‌توان نگاهی نو به زندگی اجتماعی و حیات فرهنگی و اقتصادی جامعه ایرانی داشت که شاید تاکنون مغفول مانده بود. مسائل پیروان ادیان، مذاهب و آیین‌های غیررسمی نیز به عنوان یکی از لایه‌های حیات اجتماعی مردم ایران، نیازمند بررسی بیشتر در دوره‌های مختلف تاریخی است و از این منظر، این اسناد، می‌تواند کمک شایانی به شناخت زندگی و مشکلات این گروه‌های اجتماعی داشته باشد. در این پژوهش، اسناد عرایض دوره ناصری، طی سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ هـ.ق مورد بررسی قرار گرفته است. مذاهب ذکر شده در این اسناد عمدتاً شامل دو گروه مذهبی مسیحی و یهودی است. روش تحقیق در این مقاله، روش تاریخی (استقرائی) و شیوه نگارش و تدوین آن به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. استخراج اطلاعات و داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جز در مسائل مذهبی، در سایر امور، مسائل پیروان ادیان، مذاهب و آیین‌های رسمی و غیررسمی مشترک بوده است. در مورد مسائل مذهبی نیز به جرأت می‌توان گفت که عمدتاً مستمسک و بهانه‌های اربابان و صاحبان قدرت برای رسیدن به اهداف مادی‌شان بوده است.

واژگان کلیدی: عریضه، ناصرالدین‌شاه، یهودیان، مسیحیان، بایبان.

۱- مقدمه

در دوره قاجار، پیش از مشروطه و پیش از شکل‌گیری نهادهای جدید قانونگذاری و اجرا، در کارکردهای حکومت، با دوره‌های پیشین، چندان تغییری ایجاد نشده بود. در واقع با وجود موج‌های جدید آگاهی و اصلاحات برآمده در تصور مردم از شاکله حکومت به مانند تصور حاکمان، شکافی به وجود نیامده بود. از این رو بود که تا دوره ناصری، شاه مانند گذشته، شخصا، به عرایض رسیدگی می‌کرد. مسائل و مطالبی که در این عرایض مطرح شده، بیشتر شامل شکایت از تعدیات حاکمان، مطالبه مالیات به صورت نقدی و جنسی، خشکسالی، آفت محصولات زراعی، کم‌آبی، مسائل ناموسی مانند دزدیده شدن همسر شخص توسط حاکم محلی و مسأله خدمت نظام وظیفه (تقاضای کفالت) بوده است. علاوه بر این مسائل، موضوعات متفرقه دیگر، مثل تشرّف به زیارت عتبات، فقر و تنگدستی، نداشتن مسکن و سرپناه، عدم پرداخت مقرری و وقف نیز از دیگر موضوعات این شکایات است.

این عرایض یا به صورت مستقیم به دست شاه می‌رسید، یعنی زمانی که بارعام می‌داد؛ یا زمانی که به شکار می‌رفت و در ارتباط مستقیم با مردم بود و یا از طریق افراد مورد اعتماد پادشاه مانند ملیجک دربار، طولوزان پزشک دربار، اعتمادالسلطنه و... که بیشتر وقت خود را با پادشاه می‌گذراندند، وصول می‌شد. (عبد امین، ۲۰۰۵: ۱۳۹۷)

پس از بازگشت ناصرالدین‌شاه از اولین سفر اروپا (۱۲۹۹هـ.ق)، وی اقدام به برقراری «صندوق عدالت» کرد. در این سفر، همه‌جا، به شاه گفته شده بود که همه ترقیات ممالک اروپا به دلیل وجود امنیت و عدالت است که آن نیز به دلیل وجود قانون است. (دامغانی، بی تا: ۹۵)

«صندوق عدالت» و «مجلس تحقیق مظالم» اقدامی از سوی ساختار سیاسی با هدف اطلاع از وضعیت نابسامان و اوضاع امنیت عمومی در ایالات و ولایات بود. طرح بحث از بحران ظلم و ستم حکام و مسئولین به مردم خطاب به پادشاه قاجار، خود حرکتی مثبت در راستای حق‌خواهی عمومی بود، اما مسأله اصلی این بود که ساخت قدرت و در راس آن پادشاه قاجار در اداره و نظارت بر امور نقش اصلی را داشته و اراده چندانی برای واگذاری امور به مراجع ذیصلاح نداشت و این مسأله ضعف حوزه اختیار نهادهای نو تأسیس را فراهم کرده بود. (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۳۷۸)

بسیاری از جمعیت ایران در دوره قاجار صرف‌نظر از مذهب آنها مسلمان بودند و تعصبات مذهبی باعث می‌شد پیروان مذاهب غیررسمی مانند یهودیان، ارامنه و آسوریان در محله‌های مخصوص خود محصور شوند، مشاغل حرام مانند خرید و فروش مسکرات مخصوص به آنها بود و از نظر اجتماعی پست‌ترین گروه اجتماعی شهر را تشکیل می‌دادند. (شمیم ۱۳۷۵: ۳۷۷)؛ لذا شکایت پیروان مذاهب و آیین‌های غیررسمی (زرتشتیان، یهودیان، مسیحیان بابی‌ها، مندائی‌ها و...) از تضییع حقوق‌شان به دست اکثریت مردم یا دوایر دولتی و نیز شکایات مسلمانان از پیروان مذاهب غیررسمی، مبنی بر تبلیغ دین خود و اقدام به اعمال منافی با آموزه‌های اسلامی رایج بوده است که در اسناد عرایض نیز می‌توان نمونه‌هایی از آنها را یافت. حال، مسأله اساسی تحقیق حاضر تحلیل و بررسی مسائل پیش روی پیروان ادیان، آیین‌ها و مذاهب غیررسمی دوره ناصری با تکیه بر اسناد عرایض است.

در زمینه عرایض در زمان ناصرالدین‌شاه، مجید عبد‌امین، کتاب «نامه‌هایی به ناصرالدین‌شاه» را نگاشته است که بخشی از آنها شکایات امین‌السلطان و بخشی دیگر شکایات شخصیت‌ها بوده که توسط امین‌السلطان به شاه رسیده‌اند. همچنین در دوره‌های بعد، به ویژه زمان مشروطه، به صورت موضوعی درباره برخی از عرایض کار شده است. اما در این پژوهش کوشش شده براساس تحلیل محتوای عرایض پیروان مذاهب غیررسمی به ناصرالدین‌شاه، به اهم مسائل رایج ایشان پرداخته شود؛ مشکلات و مسائلی که برخی از آنها می‌تواند روشن‌کننده گوشه‌ای تاریک از زوایای تاریخ پیروان مذاهب غیررسمی در عهد ناصری باشد و برخی دیگر را می‌توان به وضعیت مردم در کل ممالک محروسه تعمیم داد.

این پژوهش براساس هدف، از نوع تحقیقات تاریخی و براساس روش و شیوه تدوین و نگارش مطالب، تحلیلی-توصیفی است، همچنین منابع و مطالب مورد استناد و استفاده در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و آرشیوی و با ابزار فیش‌برداری از اسناد و کتب و مقالات و سایر متون چاپی گردآوری شده است و مورد تجزیه و تحلیل کمی و کیفی قرار گرفته است.

۲- بحث

۲-۱- اسناد عرایض و اهمیت آن در بررسی تاریخ اجتماعی

عریضه به معنی عرض حال، قصه، درخواستنامه و نامه‌ای است که زیر دست به مافوق و یا کوچکی به بزرگی بنویسد. (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۰/۱۳۹۸۱) اسناد عرایض، یکی از موثق‌ترین و مستندترین منابعی هستند که در تحقیقات تاریخی به کار می‌روند. ارزش اسناد به این است که در بحبوحه وقایع و بر اساس ضرورت و نیازهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرند و اکثراً به صورت یک منبع ثابت دست‌نخورده باقی می‌مانند و کمتر مورد تحریف قرار می‌گیرند، به ویژه اسنادی که در شهرستان‌ها تنظیم شده‌اند و به عنوان اسناد منطقه‌ای شناخته می‌شوند؛ برای واکاوی تاریخ اجتماعی و سیاسی مناطق مختلف کشور و حتی جغرافیای تاریخی آنها، از اعتبار ویژه برخوردارند. عموم شهرهای کشور، تاریخ جامعی ندارند و در بسیاری موارد، تنها همین اطلاعات موجود در اسناد است که می‌تواند برای شناخت وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این شهرها مورد استناد و استدلال قرار گیرد. عرایض، اطلاعات با ارزشی از طبقات اجتماعی پایین دست ارائه می‌دهند که در هیچ منبعی قابل دسترس نیست. در واقع، روح زمانه و حیات اجتماعی هر ملت آن گونه که بوده است در عرایض نمایان می‌شود. عرایض، علی‌رغم شخصی بودن، در کنار هم، از یک جریان در جامعه سخن می‌گویند که شاید نظیر آن در هیچ منبع دیگر قابل دسترسی نباشد. (شوهانی، ۱۳۸۹: ۷۱)

۲-۲- وضعیت پیروان ادیان و مذاهب غیررسمی در ایران پیش از دوره ناصری

گروه‌هایی که از لحاظ خصوصیت‌های مذهبی و دینی با گروه‌های حاکم در یک کشور متفاوت باشند، به عنوان پیروان مذاهب غیررسمی در آن کشور تعریف می‌شوند. تا پیش از ورود مسلمانان به ایران، در قرن هفتم میلادی، اکثریت جمعیت ایرانیان بر آیین زرتشت بودند، هر چند در بین ایشان پیروان مذاهب غیررسمی چون یهودیان که پیشینه حضورشان در سرزمین ایران به ۲۷۰۰ سال پیش بازمی‌گردد، مسیحیان که از دوره اشکانی در ایران حضور داشتند و دیگر مذاهب و آیین‌ها چون مانویان، منداییان و... نیز، از عهد باستان، در ایران زندگی می‌کردند. با ورود اسلام در قرن اول هجری، به مرور و طی گذشت چند قرن، اکثریت دینی به مسلمان تغییر یافت و سه گروه یهودیان، زرتشیان و مسیحیان توانستند تحت عنوان «اهل ذمه» و با پرداخت جزیه، در کنار مسلمانان، مسالمت‌آمیز زندگی کنند. با وجود اینکه ایران زمین از دیرباز سرزمینی امن برای پیروان ادیان و

مذاهب مختلف بوده، اما در دوره‌هایی این وضعیت با فرازونشیب‌هایی همراه بوده است که نمونه‌های آن را می‌توان در وضعیت پیروان مذاهب غیررسمی در چند صد سال اخیر و به ویژه در دوران صفویه و قاجاریه مشاهده کرد.

تاورنیه در سفرنامه خود مسلمانان، زرتشتیان و مسیحیان را بیشترین جمعیت دینی ایران در زمان خود معرفی می‌کند. در زمان صفویه که دین رسمی ایرانیان، شیعه اثنی عشری اعلام گردید، وضعیت زندگی پیروان مذاهب غیررسمی به ویژه زرتشتیان بسیار سخت‌تر شد، بسیاری از زرتشتیان به اجبار مسلمان شدند یا به نقاط بیابانی نظیر کرمان و یزد کوچانده و ضمن محرومیت از حقوق اجتماعی، محکوم به پرداخت جزیه شدند. (نظری، ۱۳۹۷: ۲۶) زندگی یهودیان نیز در این دوره همراه با محدودیت‌های شغلی و اجتماعی بسیار بود. (همان: ۲۹) مسیحیان اما در دوره صفویه از اوضاع بهتری بهره داشته‌اند. در دوره افشاریه، نادرشاه علاقه‌مند به تقریب مذاهب توصیف شده که با پیروان مذاهب غیررسمی با تسامح برخورد می‌کرده است.

دوره زندیه و قاجاریه با از سرگیری فشار و سخت‌گیری بر پیروان مذاهب غیررسمی همراه بوده است. هرچند در دوره قاجار وجود شخصیت‌هایی چون عباس میرزا و امیرکبیر که به حقوق پیروان مذاهب غیررسمی اهمیت می‌دادند را نباید از نظر دور داشت. در اوایل سلطنت ناصرالدین-شاه، به سبب روحیه و شخصیت امیرکبیر، پیروان مذاهب غیررسمی ایران، مورد توجه بوده و کمتر مورد آزار و اذیت قرار داشتند. (شیل، ۱۳۶۸: ۷۸-۸۰)

۳-۲- پیروان ادیان و آیین‌های غیررسمی در دوره ناصری

جامعه ایران در دوره ناصری، جامعه‌ای مذهبی به شمار می‌رفت و «تعصبات مذهبی شدید حاکم بر آن، خود یکی از علل تنش میان مسلمانان با اقلیت‌های مذهبی و حتی گاه، میان خود مسلمانان بود. از طرف دیگر وجود گرایش‌ها و تمایلات خرافی نیز در این میان، خود مزید بر علت بود.» (شمیم ۱۳۷۵: ۳۷۳)

پیروان ادیان و آیین‌های غیررسمی ساکن ایران در دوره ناصرالدین‌شاه، عموماً شامل زرتشتیان، یهودیان، مسیحیان، مندائیان و بابیان بودند. مشکل پیروان ادیان و آیین‌های غیررسمی همواره یکی از عوامل مسأله‌ساز در جامعه عصر ناصری بود. پرداختن پیروان ادیان و آیین‌های غیررسمی به

مشاغل خلاف آموزه‌های اسلامی، چون مشروب‌فروشی، همواره عاملی برای درگیری میان آنها و متعصبان مذهبی بود. برخوردهای تحقیرآمیز با پیروان ادیان و آئین‌های غیررسمی، به‌ویژه زرتشتیان و یهودیان در این دوره به چشم می‌خورد و حکومت هم بر آن دامن می‌زد. البته ناصرالدین شاه خود منکر بدرفتاری در حق پیروان مذاهب غیررسمی بود. در زمان وی تلاش‌ها برای بهبود وضعیت پیروان مذاهب غیررسمی با موفقیت‌هایی همراه بود. پارسیان هند توانستند به یاری فرستاده خود مانکجی و تلاش‌های سی ساله او حکم جزیه زرتشتیان را لغو کنند. از طرف دیگر فشار بین‌المللی و به‌ویژه اقدامات کارگزاران انگلیس و فرانسه و انجمن اسرائیل به شاه و درباریان و روحانیت هماهنگ با دربار سبب کم شدن فشار بر یهودیان شد؛ امور یهودیان به وزارت خارجه واگذار شد و از سوی دستگاه حکومتی، روحانیون و قضات مسلمان از صدور حکم مصادره اموال یهودیان در تهران منع شدند و برخی قوانین ضدیهودی در تهران منسوخ شد؛ اما در شهرهای سنتی و مذهبی و بین روحانیت و مردم چندان صورت اجرایی نگرفت. (شمس اسفندیاری، ۱۳۶۸: ۲۹-۲۸)

از طرف دیگر، در دوره ناصری، برخورد رسمی حکومت با پیروان بابیه آغاز می‌شود. ظهور فرقه مذهبی بابیه در اوایل دوره سلطنت محمدشاه بود. این فرقه ابتدا با شیخیه شروع به موجودیت کرد و بعدها با ادعای سیدعلی محمد باب برای تأسیس مذهبی تازه بنام بابیه در ۱۲۶۰هـ.ق ادامه پیدا کرد. وی پیروانی در بوشهر و شیراز و برخی دیگر از نقاط ایران یافت. عاقبت، سیدعلی محمد باب در دوره محمدشاه دستگیر و در دوره ناصری، در ۱۲۶۶هـ.ق، به فتوای علمای تبریز، تیرباران شد. اما در ۱۲۶۸هـ.ق ناصرالدین‌شاه مورد سوءقصد گروهی از پیروان سیدعلی محمد باب قرار گرفت. پس از ترور ناکام ناصرالدین‌شاه، برخورد رسمی حکومت با بابی‌ها شروع شد. (آشتیانی ۱۳۸۶: ۷۶۷-۷۶۶)

۴-۲- محتوای اسناد عرایض ادیان، آئین‌ها و مذاهب غیررسمی عصر ناصری

اسناد عرایض را گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی می‌نوشتند و در هر کدام از این اسناد و مدارک، شکوائیه‌ها و مطالبات خاص این طبقات مطرح شده است. در مورد پیروان مذاهب غیررسمی قسم دیگر عریضه‌ها مربوط به تقاضای‌شان پیرامون تزییع حقوق‌شان به دست اکثریت مردم یا دوایر دولتی و نیز شکایات مسلمانان از پیروان مذاهب غیررسمی، مبنی بر تبلیغ دین خود و اقدام به اعمال

منافی با آموزه‌های اسلامی است. در ادامه می‌توان مصادیق و محتوای عرایض پیروان مذاهب غیررسمی عهد ناصری را به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۱-۴-۲- مالیات

اکثر این دسته عرایض مربوط به موضوع پرداخت مالیات و جزیه است. در دوره قاجار مسئولیت امور مالی، دارایی و مخارج حکومت بر عهده دیوان استیفا بود که بر رغم نظم و ضوابط خاص ناشی از ماهیت وظایفش، از تغییر معاف نبود. این تغییر مالیات را نیز شامل می‌شد که خود تابع اوضاع اقتصادی کشور و سیاست‌های دولت مرکزی بود. (کاظم بیگی و حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

مالیات عمدتاً مالیات زمین، مالیات سرانه، مالیات‌های گوناگون بر فعالیت‌های تولیدی و عوارض گمرکی را دربر می‌گرفت. اما مالیات زمین بزرگترین منبع درآمد حکومت‌های محلی و مرکزی بود که باید اخذی‌های منظم و غیرمنظم و غارت تولید و اموال به دست مقامات دولتی را نیز به آن افزود. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ص ۱۸۷). جزیه از وجوه نظام مالیاتی بود که بر پیروان مذاهب غیررسمی اعمال می‌شد. در دوره قاجار و در آغاز نوگرایی در ایران به همت میرزا عیسی قائم مقام و احتمالاً به درخواست اروپائیان جزیه از مسیحیان ایران برداشته شد. پارسیان هند نیز با آگاهی از اوضاع هم‌کیشان خود با فرستادن مانکجی به‌عنوان نماینده و پرداخت مبالغ هنگفت و سه دهه تلاش توانستند جزیه زرتشتیان را حذف و اوضاع آنها را بهبود بخشند. (میرحسینی، ۱۳۸۸: ۸۵) با تحولات تاریخی و پس از انقلاب مشروطه، یهودیان نیز از پرداخت جزیه معاف شدند، اما اسناد عرایض نشان می‌دهند در عصر ناصری، علاوه بر اینکه هنوز مسئله جزیه برای یهودیان مطرح بوده است. پیروان مذاهب غیررسمی مانند دیگر مردم در زمینه مالیات مشکلات زیادی داشتند. در عریضه یهودیان سنندج در این باره آمده است که: «سنندج - جماعت یهود: سالی سیصد و شصت تومان مالیات صباغی میدهیم و سیصد و شصت تومان هم جزیه میدهیم حالا زیادتی میکنند گمرک یققرانرا یکتومان میگیرند شها ما را بکشیک ارمنی و مسلمان میبرند استدعا آنکه یا سرپرستی جهت ما معین فرمایند یا حکمی صادر شود که ظلم باماها نکنند.» (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس

شورای اسلامی؛ «مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار»، شماره نسخه ۱۳۰۸۷،

شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۵۵۱

در سند دیگری که مربوط به مسیحیان ارومیه است نیز به بدرفتاری مأموران مالیاتی و زورگیری آنان اشاره شده است: «ارومیه - شمسیه یوسف و چهار نفر مسیحی: در مرحله مسلمانان خانه ابتیاع کرده‌ایم تاکنون کسی مطالبه مالیات از ما نکرده امسال مستاجرین محله بضر بچوب آنچه خواستند گرفتند استدعا آنکه مقرر شود با ما هم مثل اینکه با مسلمانان رفتار مینمایند رفتار کنند. [تحشیه و پاسخ:]: بسالار لشکر بنویسند.» (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ «مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار»، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۳۶۰)

۲-۴-۲- مستمری و مقرری

در دوره قاجار مواجب موروثی به مواجبی گفته می‌شد که به ورثه مواجب بگیران متوفی پرداخت می‌شد و در مقابل آن مواجب شخصی قرار داشت که بابت موقعیت، شغل و منصب به اشخاص داده می‌شد. پیش از مشروطه پرداخت مواجب موروثی به ورثه مواجب بگیران بر اساس دستورالعمل ساده‌ای بود که بر اساس آن هرگاه مواجب بگیری وفات می‌یافت، ثلث مواجب او توسط دولت ضبط شده و مابقی مادام‌العمر برای ورثه او برقرار می‌شد؛ در صورتی که مواجب بگیران بدون وارث فوت می‌کردند مواجب به نفع دولت ضبط می‌شد تا از محل آن به هر کس بخواهد مواجب دهد. مواجب جدید یا افزایش مواجب طی عریضه‌ای از شاه درخواست می‌شد و شاه دستخطی، خطاب به صدراعظم، معمولاً در صدر عریضه، برای پرداخت یا افزایش مواجب صادر می‌کرد. (یوسفی فر و محمدی ۱۳۹۸: ۷۸-۸۱).

در عریضه شاهین مسیحی از تبریز در این باره آمده است: «عریضه شاهین مسیحی از تبریز: مواجب و مستمری مرا که از عهد ولیعهد مغفور تا پارسال برده‌ام میرزا محمود نویسنده مشیر دختر برده و پیرانه سر مرا بی‌نان کرده است یعنی غایب و مستوفی بقلم داده است استدعا آنکه مقرر شود حق مرا تا زنده‌ام بخودم بدهند. (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛

«مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار»، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت

۷۶۵۰۲، ص ۷۶۸

۳-۴-۲-ارث

موضوع ارث از موضوعات رایج اسناد عرایض و عامل بسیاری از درگیری‌های خانوادگی و طایفه‌ای بوده است، این موضوع در بین پیروان مذاهب غیررسمی هم دیده می‌شود که علاوه بر موارد ذکر شده مشکلات ارث مربوط به افراد تازه مسلمان شده و احکام مربوطه از این ادیان را نیز در بر می‌گیرد. باتوجه به نظر مشهور فقها «مانع بودن کفر از ارث بردن» که باعث سوءاستفاده در میان برخی غیرمسلمانان می‌شد تا با مسلمان شدن صوری یگانه وارث خانواده شوند، این امر مشکلاتی برای خانواده‌های پیروان مذاهب غیررسمی بوجود می‌آورد. امیرکبیر و بعدها ناصرالدین-شاه کوشیدند با فرمان حکومتی این قانون را لغو کنند ولی در عمل موفقیتی حاصل نشد. (آدمیت، ۱۳۵۴: ۲۱۹ و ۳۱۳)

درباره موضوع ارثیه نیز برای نمونه در عریضه «حکیم خلیل یهودی کاشی» آمده است که: «عریضه حکیم خلیل یهودی کاشی است؛ حکیم هارون کاشی که فوت شد بموجب شرع موسوی ثلث مالش حق من است نور محمود عمویم می‌خواهد بتدلیس حق مرا ندهد که وارث نیستی بعد از ثبوت وراثت می‌گوید که بیست‌وهشت سال قبل هارون مال خود را بمن صلح کرده است و حال آنکه هارون با این پسر تا اواخر عمر منازع و مرافع بود استدعای رسیدگی و احقاق حق است. [تحشیه و پاسخ:] رجوع بشرع نماید.» (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ «مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار»، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۸۲۳)

۴-۴-۲-تقاضای احقاق حق و تظلم‌خواهی

این دسته عرایض بیشتر موارد مربوط به شکایت یا تقاضای احقاق حق از یک شخص یا مقام دولتی است، چون پیروان مذاهب غیررسمی معمولاً در برابر مسلمانان دست پایین را داشتند، گاهی اشخاص یا حکام محلی این امر را دست‌آویزی قرار داده و از دادن حق آنها امتناع

می‌کردند. برای مثال دکتر پولاک، پزشک ناصرالدین‌شاه، درباره وضع یهودیان و مشکلات آنها در سفرنامه خود آورده است: «این جماعت در محله مخصوصی وسط شهر زندگی می‌کنند... آنها همواره در معرض خودسری‌های حاکم که از هر بهانه‌ای برای غارت آنها استفاده می‌نماید قرار دارند، اگر یک نفر یهودی با وضعی آراسته براسب بنشیند، ناظران مسلمان عمل او را جسارت به امیر می‌خوانند.» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۵۰)

برای نمونه در این باره می‌توانیم به سند عریضه حکیم یوسف یهودی از همدان اشاره کنیم که در پی طلب مطالبات مالی‌اش به بابتی‌گری متهم شد: «همدان- حکیم یوسف یهود: مبالغی از خان‌باباخان سرتیپ حاکم اسدآباد و زنانه و مردانه خوانین و رعایا طلب دارم دو سال قبل عرض شد حکمی صادر گردید اما تا پارسال معطل داشت ثانیاً عریضه نگار شدم حکم شد که مطالبات من و حکیم دانیال را دریافت و عاید دارند از اینجهت خان‌باباخان در مقام عداوت برآمده هر وقت برای طلب میرویم ما را بتهمتی انداخته‌اند اذیت میکند از جمله یکبار میگوید شماها بابتی هستید خلاصه استدعای امر برسیدگی و احقاق حق است. [تحشیه و پاسخ]: بخان‌باباخان بنویسید اگر طلب حسابی حکم یوسف را نرسانید محصل مابین میشود بافتضاح خواهد گرفت.» (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ «مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار»، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۴۴۶)

در عریضه دیگری نیز به ظلم و اخاذی فردی بنام هادی و برادرانش نسبت به یهودیان تویسرکان یاد شده و اشاره شده است که: «تویسرکان- جماعت یهود: دو سال است اشرار و الواط تماها صدمه میزنند از جمله هادی نام با دو نفر برادر خود و چند نفر لوطی شبها خانه‌های ما را سرقت نموده و روزها بزن و بچه‌ها دست درازی کرده حکومت هم از دفع آنها قاصر است استدعای رفع شر است. [تحشیه و پاسخ]: وزیر امور خارجه مقرر آن را بدهد.» (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ «مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار»، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۵۴۶)

همچنین عریضه‌ای دیگر، مربوط به تظلم‌خواهی و درخواست آزادی چند نفر از فرقه بابیه است. نکته جالب آنکه اگرچه عریضه‌نویس دربار، هنگام یکسان‌سازی نوشتار عریضه‌ها، با دخل و تصرف در عریضه بابی‌ها، بابیه را «طایفه ظاله» برمی‌شمارد و پیروان این آیین را «جهال و اوباش» می‌خواند، اما ناصرالدین‌شاه دستور پیگیری تقاضای‌شان را صادر می‌کند: «از شیراز دو طغرا عریضه مفصل عرض کرده‌اند که یکی میرزا بدیع سیاح است و دیگری عبدالله نام و از مضمون نوشتجات آنها معلوم است که بابی هستند و استدعا کرده‌اند که چند نفری از این طایفه ظاله که در حبس هستند مرخص شوند و حکمی هم صادر شود که من بعد آسوده باشند و مثل سایر مذاهب این طایفه هم بخیال خود حرکت نمایند و التزامی از روسای این طایفه بگیرند که بهیچوجه خلافی از جهال و اوباش آنها سر نزنند چون تکلیف اجزا مجلس تحقیق در عرض خلاصه است عرایض مفصل آنها را مختصراً عرض نمود. [تحشیه و پاسخ:] عجاله جوابی بدهد.» (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ «مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار»، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۳۵۶)

۵-۴-۲- مشکلات و دعاوی خانوادگی

مشکلات و دعاوی خانوادگی مانند دیگر مردم در میان پیروان مذاهب غیررسمی هم رایج بوده که گاه برای رفع آن روی به نوشتن عریضه می‌آوردند. در این باره به متن عریضه بلور یهودی اشاره می‌شود که از ظلم شوهرش در حق خانواده و عدم تأمین امنیت جانی، به شاه مستمسک شده است: «نهایند- بلور یهودیه: شوهری دارم بابائی نام موطن او کنگاور است مرا در نهایند تزویج نموده مدتی در کنگاور در خانه او بودم نهایت سیاست با کمینه مینمود دختر خود را بدون جهت کشت پنجاه تومان بنایب‌الحکومه حق‌السکوت داد من بهزار جرثقیل باسم سرکشی اقارب بنهایند آدمم دو سال است بهیچوجه احوال پرسی من نکرده و میخوهد مرا بنوعی بکنگاور برده مثل دخترش بکشد و چون پول زیاد دارد حکومت از او حمایت میکند استدعا آنکه عدل ملوکانه نگذارد که این بیرحم مرا کشته خونم را پامال کند. [تحشیه و پاسخ:] حاکم رسیدگی کرده فراری در آسودگی و اطمینان عارضه البته بدهد.» (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ «مجموعه

عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار»، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۷۰۴

۶-۴-۲- دینی و مذهبی

در میان اسناد عرایض پیروان مذاهب غیررسمی دوره ناصری، عریضه‌ای موجود است مربوط به ارامنه شهر همدان که حاکی از اختلافات طوایف ارامنه بر سر استفاده از یک کلیساست. مهم‌ترین کلیساهای همدان عبارتند از: کلیسای گریگوری استپان مربوط به دوره صفویه، کلیسای حضرت مریم مربوط به دوره قاجار و کلیسای انجیلی مربوط به دوره قاجار که با توجه به ساخته شدن دو کلیسای دیگر در عهد قاجار، به نظر می‌رسد کلیسای مورد بحث، در عریضه ذیل، کلیسای گریگوری استغافان باشد که در آن ضمن تظلم خواهی از پادشاه به اختلافات میان مسیحی‌مذهبان ایران هم اشاره شده است: «عارض جماعت ارامنه- از رعایا و باج‌گذاران این دولت ممنونیم کلیسا و متروکات و مقبره اینجا اباً غنجه با ما بوده است حالا به موجب حکم وزارت جلیله خارجه از ما گرفته به کشیش وهاب داده‌اند که چرا در عقیده کریکور ساوریچ نیستیم اولاً اگر دولت به قانون ملت حکم می‌کنند فرقی در میان طوایف عیسوی نیست که ما را از کلیسای موروثی منع نمایند و ثانیاً نمی‌توانیم ثابت نمائیم که از عقیده جناب کریکورلو خارج نیستیم بلی ما مقلد خلیفه اصفهان نمی‌باشیم و از روی انجیل عبادت می‌کنیم استدعا آنکه مقرر شود که آنچه از ما پس گرفته‌اند رد نمایند که به آسودگی مشغول دعا باشیم تصدیق حکومت همدان هم لفاً به خاکپای همایون ایفاد شده است.» (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ «مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار»، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۷۵)

در دوره قاجار تجارت همدان در دست یهودیان بود و آنان توانسته بودند معیشت خود را با اشتغال به انواع کارهای نقره و طلا، شیشه بری، حریربافی و... تامین نمایند یا به بنایی، آهنگری، نقاشی و طبابت به وسیله کتاب ابن سینا می‌پرداختند. (لوی، ۱۳۳۹: ۶۴۰-۶۳۹) در میان اسناد عرایض، عریضه‌ای از یهودیان همدان موجود است که حاوی دو درخواست است نخست درخواست کمک مالی از شاه برای اتمام بازسازی معبد و دیگری جلوگیری از فعالیت مبلغان مسیحی.

آرامگاه استر و مردخای زیارتگاه مهم یهودیان ایران است که در همدان واقع شده است و وجود این زیارتگاه که برخی آن را به استر و زمان هخامنشی و برخی به شوشاندخت و زمان ساسانی نسبت می‌دهند عامل مهمی در شکل‌گیری و تداوم حضور جامعه یهودی در همدان است. مندرجات

عریضه، خبر از آتش‌سوزی معبد یهودیان همدان در دوره ناصری می‌دهد که به احتمال فراوان منظور زیارتگاه استر و مردخای است. بر اساس متن عریضه در اثر آتش‌سوزی این مکان به تخریب شده و یهودیان دوباره در حال بازسازی آن بوده‌اند و برای تکمیل بازسازی و تعمیر سقف تقاضای کمک از حکومت داشتند. خبر درج شده در این عریضه می‌تواند هم از منظر باستانشناسی و هم از منظر تاریخ ابنیه یهود حائز اهمیت باشد.

در دوره قاجار و افزایش مناسبات با غرب، زمینه حضور بیشتر مبلغان مذهبی در ایران فراهم شد، گروه‌های تبشیری اغلب ابزار سیاست‌های دولت متبوع خود بودند. آنها در شهرهای مهم و مرزی حساس به تبلیغ پرداخته، با ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی و مذهبی خواه‌ناخواه در اعتقادات مردم خدشه وارد می‌کردند. ضعف سیاسی و اقتصادی جامعه قاجار هم زمینه این امر را فراهم می‌کرد. (کجباف و دهقان، ۱۳۸۷: ۲۱۵). برای مثال آلبرت پروس مبلغی ارمنی بود که به بهانه اصلاح ترجمه انجیل هنری مارتین تصمیم گرفت مدتی در ایران به سر برد، ولی ماموریت اصلی او شروع فعالیت تبشیری و گرواندن پیروان سایر ادیان به مسیحیت پروتستان بود. او از قحطی پیش آمده در سراسر ایران استفاده کرد و در لوای انجام امور خیریه به فعالیت‌های تبلیغی میان آرامنه و حتی جماعت مسلمان و یهودی پرداخت. (گودینی، ۱۳۹۷: ۱۲۶ و ۱۲۷) عریضه ارسالی یهودیان همدان خبر از فعالیت این میسیونرهای مذهبی در همدان و حتی میان یهودیان این شهر دارد: «همدان-جماعت یهود: معبدی که جماعت یهود همدان داشتند چندی قبل آتش گرفته سوخت و باذن اولیای دولت ثانیاً از آجر و کچ بنا گذاشتند چهارصد تومان بین‌المتهوده تقسیم شده تا پای طاق رسیده است او دیگر از این جماعت قدرت و استطاعت خرج نیست استدعای کمکی از دولت علیه است که سقف آنرا بزنند عرض دیگر آنکه معلمین فرنگی که در همدان هستند بهانه تعلیم اطفال یهود را گرد و برخود جمع کرده میفریند و رفته رفته خلل در دین آنها می‌اندازند استدعا آنکه مقرر دارند که دست از تعلیم و تأدیب جوانان یهود بازداشته آنها را بدین خود بازگذارند. [تحشیه و پاسخ:] جناب وزیر امور خارجه جواب بدهند.» (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ «مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار»، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۶۲۲)

یکی دیگر از جریان‌های فکری-مذهبی ایران عصر قاجار، «صوفیان» بودند. مهم‌ترین و قدرتمندترین فرقه صوفی در این دوره، دراویش نعمت‌الهی بودند که در دوران سلطنت محمدشاه قاجار و صدارت حاج میرزا آقاسی در ایران قدرت کم ماندی پیدا کردند و نفوذ قابل توجهی در

ارکان گوناگون مملکت به دست آوردند. (مطلبی و ایزدی اودلو ۱۳۹۷: ۱۱۷) در زیر نمونه‌ای از عریضه دروایش نعمت الهی سمنان و دامغان، در خصوص تثبیت مقام و تداوم جایگاه درویش حاجی محمد، به عنوان نقیب درویش سمنان و دامغان، آمده است: «جماعت درویش سمنان و دامغان از هفده سلسله و هیجده که ده عرض نموده بر حسب فرمان مبارک چندین سال حاجی آقابابا نقیب بود در کمال خوش سلوکی با فقرا رفتار کرده بعد از مرحوم شدن مشارالیه درویش حاجی محمدنام پسر ارشد مشارالیه بدین منصب مفتخر بوده حال شخصی باشتباه کاری و به نوشته بعضی از اعیان و حکومت مدعی شده عرض و استدعا نموده اند که درویش حاجی محمد کمافی السابق بمنصب خود برقرار باشد و کمال رضامندی را از مشارالیه داریم. [تحشیه و پاسخ:] بامین السلطان اظهار شود هرچه صلاح داند مقرر آن را بدهد.» (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ «مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار»، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۴۳۶)

۳- نتیجه گیری

ماهیت و محتوای اسناد عرایض که تعداد آنها در مجموع ۱۳۵۲ مورد عریضه مربوط به دوره ناصرالدین شاه و سالهای ۱۳۰۱-۱۳۰۳ بود، بررسی گردید، از مجموع اسناد عرایض بررسی شده ۱۹ مورد یعنی حدود ۱.۴ درصد عرایض مربوط به عریضه های پیروان مذاهب غیررسمی بود که عرایض دو گروه مذهبی یهودی و مسیحی را در برمی گرفت. تعداد ۱۲ مورد این عرایض مربوط به یهودیان بود که از شهرهای سنندج، تویسرکان، همدان، کنگاور، ساوجبلاغ، سقز و کاشان فرستاده شده بود و تعداد ۷ مورد این عرایض مربوط به مسیحیان بود که از شهرهای ارومیه و همدان فرستاده شده بود. از ۱۹ مورد عریضه، ۱۷ مورد عریضه از طرف مردان و ۲ مورد توسط زنان ارسال شده بود.

بررسی این اسناد نشان داد مشکل اساسی پیروان مذاهب غیررسمی در این دوره مشکلات قضایی و حقوقی بود، از آنجا که پیروان مذاهب غیررسمی در جامعه مسلمان شیعه در مراعات با مسلمانان همواره دست پایین تر را داشتند، اغلب برای احقاق حق خود به بالاترین مرجع یعنی پادشاه، عریضه می نوشتند، همچنین نباید سوءاستفاده حکام محلی را نیز در این میان از یاد برد. از طرف دیگر هر از گاهی به تحریک یکی از متنفذین و یا روحانیان شهر از طرف مردم شهر تعدیات و آزارهایی علیه

خانواده‌های پیروان مذاهب غیررسمی در شهرهای ایران صورت می‌گرفت که ناچار دست تظلم به سوی شاه مملکت دراز می‌کردند.

پس از مشکلات قضایی و امنیتی، بیشترین مشکل مطرح شده در عرایض مربوط به مالیات و جزیه بوده است. بررسی و تحلیل عریضه‌ها نشان می‌دهد که عدم شکل‌گیری نهادها و ساختارهای اداری، عدم وجود امنیت جانی و مالی عریضه‌نویسان از سوی حاکمان محلی، و مهم‌تر از همه توجه و پیگیری شخص شاه به مطالبات و تقاضاهای مردم موجب می‌شد تا آنان عریضه‌های خود را به شخص اول مملکت یعنی پادشاه، تقدیم کنند.

بررسی اسناد عرایض نشان داد که دغدغه اصلی پیروان ادیان، مذاهب و آیین‌های غیررسمی، قبل از آنکه مسائل مربوط به آزادی و مسائل مذهبی باشد، مسائل مربوط به امنیت و برپایی عدالت بوده است؛ مسائلی که مشترکا دغدغه اصلی پیروان دین رسمی هم بوده است.

نمونه اسناد عریضه



سند عریضه شماره ۱



سند عریضه شماره ۲



سند عریضه شماره ۳

۴- منابع و مراجع

الف) سند:

۱. مجموعه عریض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۷۵.
۲. مجموعه عریض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۳۶۰.
۳. مجموعه عریض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۴۴۶.

۴. مجموعه عریض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۵۵۱.
۵. مجموعه عریض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۵۶۴.
۶. مجموعه عریض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۶۲۲.
۷. مجموعه عریض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۷۰۴.
۸. مجموعه عریض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۷۶۸.
۹. مجموعه عریض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۸۲۳.

(ب) کتاب:

۱۰. آدمیت، فریدون (۱۳۵۴). امیرکبیر و ایران، چ ۴ تهران: خوارزمی.
۱۱. آدمیت، فریدون و ناطق، هما (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار*، تهران: آگاه.
۱۲. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
۱۳. آشتیانی، اقبال (۱۳۸۶). *تاریخ ایران*. تهران: نگارستان کتاب ۵.
۱۴. دامغانی، محمد تقی (بی تا). *صد سال پیش از این*. بی جا: بی نا.
۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغتنامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران. مدخل «عریضه».
۱۶. شیل، لیدی مری (۱۳۶۸). *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
۱۷. شمیم، علی اصغر (۱۳۷۵). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: افکار.

۱۸. شوهانی، سیاوش (۱۳۸۹). «عرایض رهیافتی به تاریخ فرودستان»، گنجینه اسناد، س ۲۰، ۴۲-۷۸.
۱۹. عبدامین، مجید (۱۳۷۹). نامه‌هایی به ناصرالدین‌شاه: مجموعه‌ای از عرایض به امین‌السلطان میان سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۳ ق. تهران: سخن.
۲۰. لوی، حبیب (۱۳۳۹). تاریخ یهود ایران، ج ۳، تهران: کتابفروشی بروخیم.
۲۱. نظری، منوچهر (۱۳۹۷). اقلیتهای دینی در پارلمان ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- (ج) مقاله:**
۲۲. شمس اسفندآبادی، حمیدرضا و دیگران (۱۳۹۴). «تعاملات اقلیت یهود یزد با مسلمانان در دوره قاجار»، پژوهشنامه تاریخ، س ۱۱، ش ۴، ۱۷-۴۲.
۲۳. کاظم بیگی، محمد علی و سید مصطفی حسینی (۱۳۹۰). «مالیات و هزینه‌های ولایات در دوره قاجاریه: کتابچه دستورالعمل جمع و خرج بسطام و شاهرود»، تاریخ و تمدن اسلامی، س ۷، ش ۱۳، ص ۱۲۹-۱۶۴.
۲۴. کجباف، علی اکبر و مرتضی دهقان (۱۳۸۷). «میسونرهای فرانسوی در اصفهان عصر قاجار»، جستارهای تاریخی، ش ۳، دوره ۲۱، ص ۲۱۵-۲۴۸.
۲۵. گودینی، رسول (۱۳۹۷). «گزارش فعالیت‌های تبلیغی یک مبلغ پروتستان در ایران عهد ناصری»، آرشیو ملی، س ۴، ش ۳، ۱۳۹۷، ص ۱۲۰-۱۴۲.
۲۶. مطلبی، مسعود و عظیم ایزدی اودلو (۱۳۹۷). «بررسی مناسبات صوفیان با نهاد سلطنت در دوره‌های صفویه و قاجاریه»، سپهر سیاست، س ۵، ش ۱۸، ص ۱۰۵-۱۲۴.
۲۷. میرحسینی، محمدحسن (۱۳۸۸). «روند بهبود امور زرتشتیان ایران و حذف جزیه ایشان در دوره ناصرالدین‌شاه»، پژوهشهای علوم تاریخی، دوره ۱، ش ۱، پاییز ۱۳۸۸، ص ۸۵-۱۰۸.
۲۸. یوسفی فر و محمدی، شهرام و امین (۱۳۹۸). «مسئله پرداخت موجب موروثی در عصر قاجار»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره ۹، ش ۲، ص ۷۷-۱۰۴.